

.

( )

( )

-

-

.( )

«!

.  
»

«....

(... )

»

«...  
.

( )

(

)

!

.( )

»

ii

. ( ) «

»

[ ]

( )

»

« » «

. ( )

-

-

»

( ) . «. . . .

. ( ) «

»

-

-

—

»

.«

—

—

—

. ( ) .

.

. (

/

—

)

.

—

—

. ( ) .

.

.

«

« »

.

!

—

.

.

iv

—

.

=)

v. (

.  
»

-

...

.( )«!

( )

vi.

» /

.( )«

)

(

— vii

. /

»

.« /...

.( )

viii

» .

ix .( ) «

—

—

( )

.

:

. /

»

.( ) «...

.«

»

- -

( ).

/

«

»



-

-

.

.

.

.( ) « »

.

.

x

.

xi

[ ]

( ) [ ]  
( ) ( ) xii

[ ] .

[ ]

[ ]

[ ]

[ ].

( )

[ ]

-

-

-

.

-

-

-

.

[ ].

.

.

.

[ ]

[ ]

.

-

[ b]

[ b]

[ ]

-  
[. ]

- -

.

.

[ b]

.

[ ]

-

.

.

[ ]

xxix

[ ]

[ ]

]

xxx

[

-

[ ]

[ ]

[ ]



xxxii

xxxiii

xxxiv

xxxv

xxxvi

[ ]

[ ]-

[ ]

[ a]

:

-

-

[ ]

[ ]

[ b]

[ ].

<sup>xl</sup> « »

[ ]

[ a]

[ ]

xii ( )

[ ]

.

. [ ]

[ ]

—

«

[ ]

—

.

xlii

[ ]

[ ]

[ ]

[ ]

[ ]

[ ]

[ ]

[ ]

i ۱۰۸۰/۵۱۰ م

ii شاید هم سرحه ای ، آنطور که بلوچها میگویند . البته سرحه هم همان سرحد است .

iii گاهی که خمره و گنجینه ای یافت می شد ، سهم حاکم بود چنانکه هنگام احداث گیات آباد « دو خم مملو از نقره مسکوک به سکه امیر تیمور سکه های و شاهرخ یافتند » (ص ۲۳۵) و استاد حسین خشت مال هم شاه شجاع و آل مظفر در محله بازار شاه یافت و همه به « سر کار خان انتقال یافت » (ص ۲۳۶) و تبدیل به زین و لجام مرصع و و اسباب کارخانه حاکم شد.

iv شاید قدیمترین کسی که به کرمان تبعید شده ، پادشاه بابل ، یعنی نبوئید که با کوروش پادشاه معروف هخامنشی جنگید و در شهر برسپ Borsippc اسیر شد « کوروش با او به رافت رفتار کرد و به کرمان تبعیدش کرد تا در آنجا سکنی گزید. نبوئید در آنجا تا آخر عمر بزیست و در همانجا در گذشت. ( حاشیه تاریخ کرمان، چاپ سوم ص ۲۵۰ نقل از ایران باستان پیر نیا ) . من دیگر از تبعید شدگان عصر ساسانی و بعد از اسلام نام نمی برد. که امیر محمد مظفر را به قلعه بم می فرستادند و در راه مرد، و این اواخر هم که تبعید شدگان فراوان داشته ایم.

v این مرد در ۱۰۷۷ ه / ۱۶۶۶ م. آزاد شد و به خوزستان بازگشت.

vi يك سلسله جبال بلند بعد از سیدی، بدون گردنه راه قابل توجه، میان دشت‌های کرمان، و خبیص و تکاب و بلوچستان فاصله است، و این کوه از حوالی درختگان و دهنه هیزمی (اواسط کویر) شروع میشود و تا نزدیکی بم (دارزین) ادامه دارد، و آنها که می‌خواستند به شهداد بروند یا از درختگان میرفتند و یا از دارزین، و تنها گردنه صعب‌العبور بلبلور در نزدیک ماهان وجود داشت که عبور پیاده را، ممکن میکرد تونل فعلی با ۲۷۰۰ متر طول، این فاصله را بریده و راه را به ثلث و ربع تقلیل داده است- همان کاری که راه دریائی میان رضائیه و تبریز انجام داده و من آن را دیده‌ام، هر دو از شاهکارهای فن راهسازی امروز است.

ارتفاعات شمالی شرقی کرمان از حدود راور شروع می‌شود. گدارلرکوه ۲۵۵۱ متر ارتفاع دارد؛ میانکوه ۱۹۴۸ متر و کوه‌هشتاد مهر و باغ بالا و گودرچاه به ۳۷۷۵ متر بلندی میرسد، کوه اهرن ۲۵۶۵ متر و ده‌ملا و مهر چنار ۲۹۷۵ متر مرتفع است، کوه سیدی ۲۲۸۵ متر مرتفع است که دریت در سی کیلومتری شرق شهر کرمان قرار گرفته و بن‌در بالای‌آباد و دهنه حسین آباد از آن حوضه می‌گیرد. اندکی پائین‌تر کوه سیرچ است و کوه پلوار که یکی از مرتفع‌ترین کوه‌های ایران است و ۴۲۳۳ متر ارتفاع دارد و جالب آنکه چهل کیلومتر آن طرف تر در شرق، ارتفاع استکان به ۲۱۸ متر و ارتفاع نزدیک تکاب به ۱۹۹ متر تنزل می‌یابد که شاید کوتاهترین نقطه ایران (بعد از دریای خزر) بوده باشد. این اختلاف ارتفاع در فاصله کم، آنقدر در آب و هوا تأثیر دارد که تصور آن برای مردم غیر محلی ممکن نیست، بدین معنی، در حالی که مردم تکاب و نخلستان‌هایش در گرمای «خرما پز» پنجاه درجه بالای صفر می‌جوشند، چهل کیلومتر بالاتر، در دره‌های «جوشان» و «سیرچ» مردم قادر نیستند بیش از بیست دانه ریگ از توی چشمه با دست بردارند، زیرا دست آنها بی‌تاب می‌شود. کوه کلاغن ۲۷۳۳ متر و کوه گلچین (۳۴۱۵ متر) با رودخانه جهر و اندوه جرد بیش از شصت کیلومتر فاصله ندارد. حالا متوجه می‌شوید که اهمیت تونل خبیص از نظر اقتصادی تا چه میزان است،

vii این مشابه همان کاری است که میرزا رضا در محاکمات خود در زمان قاجار ، به آن اشاره می کند و می گوید. « . . . محمد اسماعیل خان وکیل الملك حاکم کرمان ، هر روزی برای خرج تراشی ، و اضافه مواجب و منصب ، يك پادشاه ، و يك نفر یاغی به دولت جعل میکرد ، و مدتها به اسم نوروز علی خان قلعه محمودی ، دولت را مشغول می کرد .»

( هشت الهفت ، ص ۵۰ ، از ناظم الا سلام).  
 راه دور و عدم اطلاع پای تخت ، امکان میداد که حکام ، مخالفان و مدعیان جعلی  
 برای شاه و دولت بسازند ، و از پرتو آن سوء استفاده کنند .  
 ولایت اریعه، درین کتاب و در همه کتاب‌های تاریخ کرمان مقصود ولایت بم و ریگان و  
 نسا و نرماشیر است.  
 این نجفقلی بیگ آدم کوچکی نبود، او وقتی از کرمان به اصفهان رفت مرتباً ندیدم  
 شاه بود، و حتی «شبی، در مجلس بهشت آئین، خاطر خطیر شهیار عدالت قرین از  
 زینل خان دیوان بیگی غبارآگین شده، به نجفقلی بیگ امر شد که حدقه او را از جلیه  
 دیدگان تهی سازد، همان لحظه، با نوک خنجر، چشمان آن خیره‌سر را به درآورده به  
 نظر اشراف رسانید، و در همان اوان، منظور نظر تربیت آن قبله عالمیان [واقع]، و به  
 رتبه قولر آقا سیکری [فائز] و بر همگنان امتیاز یافت... و محمدحسین بیگ پسرش  
 بعدها بیگلر بیگی قندهار شد.»

(متن کتاب ص ۴۷۲)

- x در اصل: نفس آقا (؟)  
 xi در باب گرگین قبلاً اشاره کردیم.  
 xii ولایت اریعه: بم ، جیرفت، نرماشیر، خبیص.  
 xiii ده بکری، آبادی خوش آب و هوای نزدیک بم.  
 xiv ظاهراً نقاط کوهستانی کرمان، یعنی بردسیر و بافت و پاریز و کوهبنان است که در  
 قدیم سرود می‌گفتند، در مقابل جروم که نقاط گرم (جرم) و گرمسیر بوده باشد مثل  
 جیرفت و رودبار و بم و خبیص.  
 xv محترفه، اهل حرف (حرفه‌ها) آنها که هنرمندند و کارخانه و کارگاه دارند. شهر  
 آشوب.  
 xvi راجع به سادات بم و سادات خبیص (شهادت) جای دیگر- مقدمه سلجوقیان غز در  
 کرمان- و گنجعلی خان به تفصیل صحبت کرده‌ام.  
 xvii شاید هم: اکثر صحبت آقائی....  
 xviii جبال بارز، نام کوهستان معروف کرمان در جنوب شرقی جیرفت و جنوب غربی بم،  
 و وصل میشود به سلسله کوهستانی که از جیرفت و ساردو و بافت و چار گنبد و  
 خانه سرخ و پاریز و پسکوه تا شهر بابک ادامه دارد. آبادی پاریز که در دل همین  
 کوهستان (نزدیک سیرجان) قرار دارد منسوب به همان قوم بارز قدیم است که در  
 جبال بارز سکونت داشتند: (رجوع شود به: برزکوه، کوچه هفت پیچ، ص ۱۵۵)  
 xix در اصل: صروف؟  
 xx یعنی القاء کننده و خطا به خواننده، شاید هم ملقی؟  
 xxi چنین است به جای آماده  
 xxii چنین است، و شاید به بم؟ هر چند استثناء موردی ندارد. با هم؟  
 xxiii سر پایاب. پایاب، پلکان زیرزمینی که می‌کنند تا به آب قنات میرسند و از آن  
 استفاده می‌کنند- و من پایابهای دیده‌ام که سی چهل پله داشته است. سر پایاب  
 ظاهراً جای مشخصی در شهر بوده است، و ممکن است از پایابهای مستوره بوده  
 باشد.  
 xxiv چندین نظام آباد در کرمان داریم که در رفهرج بم و فارغان بندر عباس و راین قرار  
 دارند، و اینجا مقصود آبادی است که بعداً به نام طهماسب آباد معروف شده و  
 زمینهای آن به فروش رفت و یک محله بزرگ غربی شهر را تشکیل داد و اکنون اوقاف  
 ممدعی بسیاری از  
 xxv عقدا: از آبادیهای یزد بین راه اصفهان.  
 xxvi ساردویه: از محال کوهستانی جیرفت کرمان، قلاع قدیم آن شهرت  
 دارد. (سلجوقیان و غزو و کرمان ص ۱۷۴ و ۲۳۶)  
 xxvii ابارق: از دهات نزدیک بم در راه کرمان. (باکسراء).

xxviii قریه شتر، ده شتر از دهات اطراف بم استف و ظاهراً ربطی به دهشتران غرب پاریز- بین راه شهر بابک- ندارد، به دلیل نزدیکی به ماهان.

xxix در باب سادات بم، رجوع شود به سلجوقیان و غز در کرمان، (چاپ دوم، زیر چاپ).

xxx تیره‌ای از ایالات حدود بردسیر هستند و در جزء عشایر مشیز به شمار میروند. (جغرافی کرمان، ص ۱۹۹). و بیشتر ساکن سغرک هستند.

xxxi چنین است، و البته نمیتواند ۱۰۱۸ حساب شود(؟) و باید همان

xxxii رحیم‌آباد؛ هفت رحیم‌آباد در کرمان داریم که در نگار وزیدآباد و سیرجان و کشکو و رفسنجان و بم قرار دارند، و این یکی باید همان رحیم‌آباد زنگی‌آباد حومه کرمان باشد.

xxxiii طالب‌آباد؟ برای نگارنده شناخته نشد.

xxxiv قوام‌آباد؛ چهار قوام‌آباد معروف داریم در طارم و رفسنجان و میان کنگی، و این یکی باید همان قوام‌آباد زنگی‌آباد حومه باشد در ۷۵ کیلومتری شمال باختری کرمان نزدیک زرنده.

xxxv فیض‌آباد؛ هشت فیض‌آباد معروف در کرمان داریم: در فهرج و در بم و در خبیص و در زرنده و در رنوق و در رفسنجان (دو تا)، و در رسعیدآباد سیرجان و ظاهراً یکی نیز در بردسیر بوده است. املاک زرتشتیان در بردسیر بیشتر قریه‌العرب است.

xxxvi ۱۴ ذی‌حجه ۱۰۹۴ هـ / ۲۵ نوامبر ۱۶۸۳ م. - قلب زمستان و سرما.

xxxvii از طوایف میرمیران یزدی، و از بستگان و احفاد شاه نعمت‌الله ولی بوده‌اند.

xxxviii از ده سیف تا خبیص ۱۸ کیلومتر فاصله است و تا اندوچرد ۳۰ کیلومتر، و لوط زنگی احمد و بیابان زنگی احمد- که چاه آن نیز در همین کویر بوده- پس از آبادی ده‌سیف شروع میشود.

xxxix هَنَك، در کتاب دیگر حنك مینویسند (با فتح اول و دوم). بعد از ماهان و در سر راه بم است- یعنی جنوب کرمان و از دو آبادی مرکب است.

xl الفرار ممالیطاق، من سنن المرسلین. گویا روایت قدیمی است. فرار از برابر آنچه طاقت‌پذیر نباشد، خود از روش‌های پیامبران است. و این اشاره به واقعه مهاجرت حضرت رسول است از مکه به مدینه. و همچنین مهاجرت ابراهیم از بابل، و مهاجرت حضرت موسی و سایر پیامبران.

xli بدون نقطه، و شناخته نشد. شاید ترمکان باشد که دهی است با کاروان‌سرای سنگی در ۳۰ کیلومتری جنوب ماهان در راه بم و شاید هم بر وات؟

xlili جمادی الاول ۱۰۸۰ هـ / اکتبر ۱۶۶۹ م.

xlili ۱۸ رجب ۱۰۸۰ هـ / اوایل دسامبر ۱۶۶۹ م.

xliv جروم، اصطلاحی است از قدیم برای گرمسیرات کرمان مثل جیرفت و شهداد و بم و سواحل دریا، و معرب گرم و جمع آنست و در برابر آن نیز سرود به کار برده میشود که ظاهراً جمع سرد و سردسیر است. در کتاب سلجوقیان و غز در کرمان به تکرار این لفظ به کار رفته.

xlv شاهد و مرام؟ شاید شاهد و حرام؟